پشت بوم

آزمون بزرگ وزارت فرهنگ

حسین هاشم‌پور

● وقتی پرسپولیس و استقلال بعد از چندین ماه خبرسازی، سرانجام دولتی ماندند و به بخش خصوصی واگذار نشدند، نهادینه‌بودن نبود اعتماد به بخش خصوصی در سیستم تصمیم‌سازی کشور یادآوری شد، هرچند که بسیاری یک خدابیامرزی گفتند که دست‌کم مانند گذشته «خصولتی‌سازی» به معنای «خصوصی‌سازی ظاهری» صورت نگرفته است. در عرصه فرهنگ و هنر شاید واگذاری جشنواره‌های هنری فجر را بتوان شاخص بزرگ اعتماد به بخش خصوصی ارزیابی کرد:

یک- قرار دولت یازدهم، سپردن امور هنر به هنرمندان بود، بدون تعارف هنوز آن اتفاق که باید، نیفتاده است؛ برخی آن را به مشورت با جمعی از هنرمندان یا واگذاری بخش‌هایی از یک جشنواره به بخش خصوصی تنزل دادند و همچنان وزارت فرهنگ شیفتگی خود را به رویدادپروری و برگزاری دولتی جشنواره‌ها میراث‌داری می‌کند.

دو- اگر وزیر نوآمده فرهنگ در تصمیمی تاریخی جشنواره‌های فجر را به انجمن‌ها و صنوف تخصصی بسپارد، تکلیف دیگر رویدادهای کوچک و بزرگ روشن می‌شود. با چنین رویکردی مثلا جشنواره فیلم فجر را باید به خانه سینما سپرد و دبیر آتی جشنواره فیلم فجر را نه رئیس سازمان سینمایی، بلکه خانه سینما تعیین کند و حکم بزند.

سه- به اشتباه جشنواره‌های فجر را نماد موفقیت یا عدم موفقیت وزارت فرهنگ در سینما، تئاتر، موسیقی و تجسمی می‌پندارند، چنین ارزیابی‌ای تاریخ‌مصرف خود را از دست داده، جامعه هنری خواهان کنش‌های زیرساختی و بسترساز از سوی نهاد تصمیم‌ساز فرهنگ و هنر است و تمرکز دولت بر رویدادهایی از این دست فقط اتلاف انرژی است.

چهار- باید به تشکل‌ها و صنوف هنری اعتماد کرد، صرف‌نظر از نقدهایی که به آنها وارد است واقعا برای برگزاری جشنواره‌ها نه‌تنها چیزی از بدنه دولت کم ندارند چه‌بسا چابک‌ترند؛ به‌گمانم حتی در همان نخستین دوره هم گلیمشان را از آب بیرون خواهند کشید. وزارت فرهنگ دولت یازدهم با این واگذاری می‌تواند رفرمی تعیین‌کننده در اعتماد به بخش خصوصی را بروز دهد تا شمیم تغییری که رئیس‌جمهور وعده داده احساس شود.

پنج - «چرا جشنواره‌های فجر حکایت دویدن و نرسیدن است؟» تیتر پرسشی این ستون در ۲۷ بهمن سال گذشته بود؛ آذر دیگری از راه رسیده و قرار است همان حکایت تکراری، بار دیگر تکرار شود، اما این می‌تواند آخرین آذر از این جنس باشد؟

جارچی

پیش‌بینی منتقد لس‌آنجلس‌تایمز

فروشنده، شانس دریافت اسکار

● شرق: فیلم فروشنده کار اصغر فرهادی بنابر پیش‌بینی منتقد لس‌آنجلس‌تایمز در بررسی بخش خارجی‌زبان اسکار ۲۰۱۷، بهترین شانس را برای دریافت جایزه اسکار دارد. مایکل اوردونا، منتقد لس‌آنجلس‌تایمز، پنج فیلمی را که معتقد است مدعی دریافت جایزه اسکار بخش خارجی‌زبان خواهند بود، معرفی کرده است. این منتقد درحالی‌که فیلم «فروشنده» ساخته اصغر فرهادی را یکی از فیلم‌های مدعی اسکار امسال دانسته، در بررسی آن نوشته است: این فیلم با فرضی جلو می‌آید که دقیقا آن را در ژانر آثار معمایی هالیوود جای می‌دهد و آن را با وسواس‌های ذهنی و انتقام درمی‌آمیزد و تهران را به عنوان لوکیشن داستان انتخاب می‌کند. یک زوج درحالی‌که نسخه‌ای بومی‌شده از نمایش «مرگ فروشنده» آرتور میلر را تهیه می‌کنند، با تجربه رویدادی سخت روبه‌رو می‌شوند و تلاش دارند بتوانند از پس درک آن برآیند. وی در ادامه نقل‌قولی از فرهادی می‌آورد و می‌نویسد: کارگردان این فیلم، اصغر فرهادی، درباره فیلمش گفته است: همه کوشش من آن بوده که درام در داستان‌هایم برآمدی از جزئیات زندگی روزانه باشد. جزئیاتی که معمولی و ساده به نظر می‌رسند و ما در زندگی هرروزه خود با آنها روبه‌رو می‌شویم. در روبه‌روشدن با فیلم‌های هیجان‌انگیز که بهترین نمونه‌های آن را در فیلم‌های آلفرد هیچکاک می‌بینیم، در دل زندگی روزمره و واقعیت چیزی نهفته است که من همیشه سعی می‌کنم آنها را در فیلم‌هایم شرح دهم و به همین دلیل می‌توان چنین فیلم‌هایی را «تریلرهای واقعی» نامید. تفاوت بین اینکه قصه «فروشنده» چگونه باز می‌شود و تماشاگران غربی ممکن است چه انتظاری از آن داشته باشند سخت است و در فرهنگ امروز ایران ریشه دارد. این منتقد سینمایی از فیلم‌هایی دیگری در رقابت با فیلم فرهادی نام می‌برد که فیلم «تونی اردمن» از آلمان ساخته مارن آده که از فیلم‌های موفق جشنواره کن امسال بود، فیلم «مردی که اووه نامیده می‌شود» از سوئد ساخته هانس هولم که بر مبنای رمان «اووه» نوشته فردریک بیکمن ساخته شده، «نرودا» از شیلی درباره زندگی پابلو نرودا شاعر برنده نوبل ساخته پابلو لارین از جمله این فیلم‌ها هستند.

عکس‌ها: مهر

فیلم‌ساز جنجالی بخشی از فیلم توقیفی‌اش را در اینترنت گذاشت

عملیات اکشن «کاهانی» برای آزادی نازنین، بهاره، تینا

شرق: «دوران سانسور و توقیف تمام شده. نسخه کامل فیلم را خواهیم دید»؛ این جمله‌ای است که در چند روز گذشته بار دیگر عبدالرضا کاهانی و فیلم توقیف‌شده‌اش، «ارادتمند؛ نازنین، بهاره، تینا» را در مرکز توجهات قرار داده. به گمان برخی، پخش قسمتی کوتاه از این فیلم در فضای مجازی، نشان‌دهنده واکنش جدیدی از سمت سازندگان این فیلم در اعتراض به توقیف و احتمالا دردسترس قراردادن آن در فضای مجازی خواهد بود. این البته برای اولین‌بار نیست که کارگردانی به نشانه اعتراض به دریافت‌نکردن پروانه نمایش فیلمش، آن را در فضای مجازی منتشر می‌کند. علی احمدزاده، کارگردان «مهمونی کامی»، هم پیش از این در اعتراض به دریافت‌نکردن پروانه نمایش، فیلم خود را در اینترنت قرار داد. کاهانی هم در فیلم آخرش به تهدیدی مشابه دست زده، هرچند بیش از یک سکانس از فیلم را منتشر نکرده است. در ویدئویی که شیما منفرد، تدوینگر این فیلم و همسر کاهانی، از یکی از سکانس‌های فیلم منتشر کرده و کاهانی و برخی عوامل این فیلم هم به اشتراک گذاشته‌اند، مهران غفوریان به نوچه یا شاگردش تلفنی دستور می‌دهد برای میهمانی‌ای که قرار است با دخترهای حاضر در این فیلم داشته باشد، نوشیدنی غیرمجاز تهیه کند. کاهانی در کنار این سکانس، از پایان دوران سانسور فیلمش نوشته و یکی از عوامل فیلمش افزوده است: «...اگر شد در سینما و اگر نه در اینترنت».

*** ارشاد درباره فیلم کاهانی چه می‌گوید؟**

چندی پیش حجت‌الله ایوبی، رئیس سازمان سینمایی، در گفت‌وگویی با بانی‌فیلم با اشاره به اینکه نمایش فیلم کاهانی از دستور کار خارج شده و او باید قید مجوزگرفتن برای این فیلم را بزند، گفته بود: «بعضی فیلم‌ها در دستور کار خود سازندگان هم نیستند؛ یعنی کسی پیگیرش نیست که مشکلش حل می‌شود یا نه؛ مثلا «گزارش یک جشن» ابراهیم حاتمی‌کیا، هیچ پیگیری‌ای از طرف صاحبان فیلم ندیدیم. بنابراین عملا از دستور کار خارج است؛ چون پیگیری از طرف خودشان هم نیست و بعضی از فیلم‌ها اصلا قابل بررسی هم نیستند؛ مثل «ارادتمند، نازنین، بهاره، تینا»، چون ساختار فیلم به‌گونه‌ای است که قابل بررسی نیست. امیدوارم آقای کاهانی که خیلی هم از ایشان ممنونم که با متانت از این ماجرا گذشتند، فیلم بعدی‌شان را بسازند».

این در حالی است که حواشی چند ماه گذشته این فیلم سینمایی و نقل صحبتی از طرف رئیس سازمان سینمایی درباره اینکه مجوز ساخت فیلم «ارادتمند؛ نازنین، بهاره، تینا» خارج از روال بررسی شورا صادر شده و تنها طرح فیلم‌نامه یا خلاصه داستان با حکم حکومتی رئیس سازمان سینمایی پروانه ساخت گرفته، باعث شد بسیاری عملکرد وزارت ارشاد در قبال فیلم‌هایی که پروانه ساخت آنها تأیید می‌شود و در فرایند پروانه نمایش به مشکل برمی‌خورند را بار دیگر زیر سؤال ببرند.

*** تازه‌ترین واکنش عوامل**

«ارادتمند؛ نازنین، بهاره، تینا» از جمله فیلم‌هایی است که به نظر می‌رسد با چالشی جدی در فرایند پروانه نمایش روبه‌رو است و صراحتا از سوی وزارت ارشاد اعلام شده که این فیلم پروانه نمایش دریافت نخواهد کرد. سعید خانی، یکی از تهیه‌کنندگان فیلم در گفت‌وگو با «شرق» درباره تصمیم سازندگان این فیلم سینمایی در مقابل موضع وزارت ارشاد و مسیر پرچالشی که پیش‌رویشان است، گفت: «بارها این نکته را تکرار کرده‌ایم که این فیلم، طبق فیلم‌نامه‌ای که به وزارت ارشاد برای صدور مجوز ساخت داده شد، ساخته شده و ماه‌هاست پیگیر صدور پروانه نمایش این فیلم هستیم. درحال‌حاضر و با تغییر مدیران و وزیر ارشادی که به‌تازگی امور را به دست گرفته است، ما هنوز هم منتظر پاسخ از وزارت ارشاد برای تعیین‌تکلیف این فیلم هستیم». او در بخش دیگری از صحبت‌هایش در پاسخ به این پرسش که با وجود مخالفت‌های وزارت ارشاد با نمایش این فیلم، آیا فیلم را در فضای مجازی توزیع خواهند کرد یا خیر؟ گفت: «فعلا چنین قصدی نداریم و همه ما منتظر پاسخ نامه‌ای هستیم که به وزیر ارشاد نوشتیم و خواستار اکران فیلم شده‌ایم. خواسته ما این است که بدانیم با تمام اصلاحاتی که در فیلم انجام دادیم مشکل فیلم کجاست؟ حاضریم گفت‌وگو کنیم و مشکلاتی که از نظر آنها حل‌نشدنی است را با گفت‌وگو حل کنیم و متأسفانه تابه‌حال هیچ گفت‌وگویی انجام نشده است». او ادامه داد: «تابه‌حال درخواست‌هایی برای حضور در چند فستیوال جهانی داشتیم، اما خواسته ما ابتدا نمایش فیلم در ایران است و می‌خواهیم با وزارت ارشاد همسو باشیم. مدت‌هاست که وزارت ارشاد از ما خواسته تا درباره این فیلم سکوت کنیم و سکوت ما تنها به حرمت وزارت ارشاد بود، اما ما سکوت کردیم و عده‌ای دیگر به حواشی دامن زدند و مسیر این فیلم را روزبه‌روز سخت‌تر کردند. اظهارنظرهای عجیب‌وغریب درباره این فیلم باعث شد تا همه‌چیز برای رسیدن به اکران سخت شود، اما دوستان بدانند ما هم بلدیم حرف بزنیم و تنها طبق خواسته وزارت ارشاد و مصالح فیلم سکوت کرده‌ایم». خانی در پاسخ به این پرسش که ظاهرا مشکل فیلم به تصدی‌گری وزیری خاص مربوط نمی‌شود و این فیلم ازجمله مواردی است که مدت‌زمان طولانی‌تری توقیف خواهد ماند، گفت: «در صحبت‌های وزیر جدید چند نکته وجود داشت از جمله اینکه در این دوره فیلم‌ساز یا موسیقی زیرزمینی نخواهیم داشت. فیلم ما هم با پروانه ساخت وزارت ارشاد ساخته شده است، اگر تخطی‌ای صورت گرفته، ما جوابگو خواهیم بود، اما اگر غیر از این باشد، وزارت ارشاد باید به وظیفه‌اش که اکران فیلم است عمل کند. دعواهایی که پیرامون این فیلم به وجود آمده، خیلی به خود فیلم مرتبط نیست و دعواهای شخصی است. امیدوارم وزیر محترم به‌زودی ترتیب‌اثری به سرنوشت فیلم‌های توقیفی بدهد. برای ساخت یک فیلم زمان و هزینه زیادی صرف می‌شود و با توقیف یک فیلم حاصل زحمات گروهی بی‌نتیجه می‌ماند». این تهیه‌کننده سینما درباره پخش قسمتی از فیلم در فضای مجازی افزود: «متأسفم که در این مدت برخی از دوستان فیلم را ندیده، درباره آن اظهارنظر کردند که در خود این اظهارنظرها هم صحبت‌های ضدونقیضی وجود داشت؛ آنهایی که به‌ظاهر دوست و همکار هستند، اما خواسته قلبی آنها این است که فیلم توقیف بماند. پخش بخشی از فیلم تنها به این دلیل بود که بگوییم فیلم چیز غیرطبیعی‌ای نیست که فکر می‌کنید و بخشی از بازی مهران غفوریان را که بازی درخشانی در این فیلم دارد نشان دادیم». او درباره این موضوع که معمولا همیشه نام عبدالرضا کاهانی حساسیت‌برانگیز است و توجهات بسیاری را به ساخته‌هایش جلب می‌کند، گفت: «برخی ناراحت هستند که چرا کاهانی هر سال یک فیلم می‌سازد؟ سرمایه فیلم‌هایش چطور تأمین می‌شود؟ درصورتی‌که فیلم‌هایش با مشارکت همه عوامل ساخته می‌شود و فیلم‌ساز مستقلی است. گناه او تنها این است که روی واقعیت‌های جامعه دست می‌گذارد و برخلاف عده‌ای، ظاهر و باطنش یکی است و به‌اصطلاح عادت به پاچه‌خواری ندارد و من به‌عنوان تهیه‌کننده تابه‌حال چند تجربه موفق همکاری با او داشته‌ام و خوشحالم که معدود افرادی در سینما مثل او فکر می‌کنند و فیلم می‌سازند». خانی در پایان گفت: «ما همچنان منتظر پاسخ نامه‌ای که به وزیر جدید نوشته‌ایم می‌مانیم و اگر باز هم جواب منفی بشنویم، اقدام دیگری انجام خواهیم داد، اما فیلم یقینا به نمایش درخواهد آمد».

*** کارگردانی با کارنامه فیلم‌های توقیفی**

«اسب حیوان نجیبی است»، «بی‌خودوبی‌جهت» و «استراحت مطلق» از جمله فیلم‌های کاهانی است که هرکدام با چالشی در اکران مواجه بوده‌اند. بدون‌شک او ازجمله کارگردان‌هایی است که پیش از اکران رسمی فیلم‌هایش، مجادلات فراوانی با وزارت ارشاد را از سر گذرانده و ظاهرا این‌بار این کشمکش‌ها طولانی‌تر شده است. گفته می‌شود داستان «ارادتمند؛ نازنین، بهاره، تینا» روایتگر قصه سه دختر است که روابطی نامتعارف با مردان مختلف دارند و مجموعه‌ای از دیالوگ‌ها و ری‌اکشن‌ها را در این بستر داستانی به نمایش می‌گذارند. به نظر می‌رسد آخرین فیلم عبدالرضا کاهانی، مسیر سخت‌تری برای رسیدن به اکران پیش‌رو دارد. چندی پیش یکی از اعضای شورای پروانه نمایش در گفت‌وگو با «تابناک» تأکید کرده بود: «در صورت صدور پروانه نمایش برای این فیلم، بعید است این فیلم بیش از یک هفته بر پرده سینماها دوام بیاورد و بنابراین حتی اگر برای این فیلم پروانه نمایش صادر می‌شد، امکان دفاع از این پروانه وجود نداشت و در نهایت به کلیت سینمای ایران آسیب می‌رسید».

بااین‌حال باید منتظر ماند و دید، تصمیم جدید وزارت ارشاد درباره فیلم جنجالی کاهانی چه خواهد بود؟

علی رهبری و انتقاد از وضعیت ارکستر سمفونیک

شرق: علی رهبری، آهنگ‌ساز و رهبر اسبق ارکستر سمفونیک تهران از وین نامه سرگشاده‌ای را برای وزیر محترم فرهنگ و ارشاد، سیدرضا صالحی‌امیری ارسال کرده است و از وضعیت ارکستر سمفونیک گلایه کرده است. او نوشته است: به عنوان یک موزیسین حرفه‌ای ایرانی و ایران‌دوست قدرت تبریک عرض‌کردن خدمت جناب‌عالی را ندارم؛ زیرا می‌دانم وزارتخانه‌ای که در اختیار شما گذاشته‌اند تا آنجایی که به موسیقی و موسیقی‌دان‌ها مربوط می‌شود، در بدترین روزهای تاریخ موسیقی ایران است. ریاست‌جمهوری جناب دکتر روحانی و انتخاب جناب آقای علی جنتی، امیدی بی‌نظیر در موسیقی‌دان‌های ایرانی، چه در داخل و چه خارج از ایران به وجود آورد، ولی متأسفانه نه‌تنها این امید به ناامیدی تبدیل شد، بلکه وضع موسیقی مملکت از زمان ریاست‌جمهوری آقای خاتمی و احمدی‌نژاد نیز بدتر شد. اگر شما می‌خواهید واقعا این وضعیت را درست کنید، باید از پایه شروع بفرمایید؛ پایه‌ای که در این لحظه بسیار خراب است و اگر علاقه داشته باشید، به‌آسانی کشف خواهید کرد که شما که هم‌اکنون وزارت فرهنگ را در اختیار گرفته‌اید، در کشورتان از بهترین و باسوادترین استادان، نوازندگان و آهنگ‌سازان ایرانی برخوردار هستید، ولی وزارت ارشاد تمام تصمیمات و اختیاراتش از زمان آقای خاتمی تا به حال به دست چند نفر انگشت‌شمار بوده است. بنده شاهد بودم بزرگ‌ترین دغدغه آقای معاون وزیر در ۱۴ ماه اقامت من در ایران، به‌هیچ‌وجه ارتقای سطح موسیقی و کیفیت کار جوانان نبود، بلکه نگرانی‌اش فقط متوجه رضایت این گروه سه‌نفره، یعنی آقایان محمد سریر، داوود گنجه‌ای و حمیدرضا نوربخش بود. چند نفری که با استفاده از بودجه خود وزارت ارشاد، تمام امور را در دست داشته‌اند؛ گروهی که به صورت سیستماتیک مافیایی برای خودشان ایجاد و افرادی را جمع کرده و به‌این‌ترتیب آن‌قدر قدرت گرفته‌اند که درباره انتخاب اغلب پست‌های وزارت ارشاد و حتی معاونت هنری و مدیرکل دفتر موسیقی و... دخالت داشته‌اند. گروهی که با استفاده از قدرت خانه موسیقی، خواسته‌هایشان را به بهانه شورایی‌بودن و دموکراسی بر تمام امور هنری مملکت، اعم از وزارت ارشاد، دانشگاه‌های مختلف، صداوسیما و... تحمیل کرده‌اند. علی رهبری می‌افزاید: جناب آقای وزیر، حتما شما هم بارها شنیده‌اید که وضع نوازندگان و آهنگ‌سازان ایرانی خراب است. او تأکید می‌کند: بنده ایران را به تصمیم خودم ترک کردم؛ چون که در غیراین‌صورت می‌بایستی با این افراد که سطحشان بسیار بسیار پایین است، کار بکنم. متأسفانه بعد از ترک بنده این افراد ناوارد، آقای شهرداد روحانی، موسیقی‌دان با استعداد موسیقی سبک را بر سر ارکستر سمفونیک آوردند که اصلا با وجود سن حدود ۶۰ سال تا به حال مدیریت هیچ ارکستری را در هیچ کجا نداشته است و تجربه‌ای هم در این رشته ندارد؛ درصورتی‌که در خود تهران چندین رهبر واقعا حرفه‌ای در موسیقی کلاسیک مانند آقایان نادر مشایخی، منوچهر صهبایی، سهراب کاشف و چند جوان بااستعداد دیگر در خارج از ایران وجود دارند که سطحشان اصلا با آقای شهرداد روحانی قابل مقایسه نیست یا آنکه مدیرعامل بنیاد رودکی، آقای بهرام جمالی را به‌خاطر بی‌لیاقتی برمی‌دارند، ولی در انجمن موسیقی ایران به او شغل مشابه دیگری می‌دهند و به جای ایشان شخص دیگری را می‌آورند که در انجام این کارتجربه‌ای نداشته است. علی رهبری در ادامه می‌گوید: ارکسترها در تهران امروز و در خارج از ایران چندین رهبر دارند که تجربه و سطحشان از آقایان شهبازیان (رهبر جدید ارکستر ملی) و شهرداد روحانی (رهبر فعلی ارکستر سمفونیک تهران) به‌مراتب بالاتر است!!! او در پایان می‌نویسد: بنده فقط یک تقاضای شخصی دارم، ده‌ها نوازنده ایرانی هستند که ۱۴ ماه در سال ۱۳۹۴ تا اوایل ۹۵ در ارکستر سمفونیک تهران دستمزدی دریافت نکرده‌اند، خواهش می‌کنم دستور بفرمایید این دستمزدها پرداخت شود.

روزهای سخت حسین محب‌اهری در بیمارستان

شرق: حسین محب‌اهری این روزها با شرایط سخت تأمین هزینه‌های میلیون‌تومانی درمان بیماری دست‌وپنجه نرم می‌کند؛ وضعیتی که خود مانع پیشرفت درست روند درمانی می‌شود. حسین محب‌اهری سال‌هاست که با بیماری سرطان دست‌وپنجه نرم می‌کند، ولی هرگاه در جمع هنرمندان و خانواده تئاتر حضور پیدا می‌کند لبخند به لب دارد. این لبخند ناشی از روحیه بالای این بازیگر باسابقه سینما، تئاتر و تلویزیون است، اما باید این مهم را فراموش نکرد که هزینه‌های بالای تأمین داروها و روند درمانی این بیماری، تأثیر بسیار زیادی بر روحیه محب‌اهری و افراد دیگری که درگیر این بیماری هستند، می‌گذارد؛ نکته‌ای که بارها در رسانه‌ها به آن پرداخته شده که باید شرایط حمایتی به‌گونه‌ای باشد که هنرمندانی که با بیماری‌های سخت همچون سرطان دست‌وپنجه نرم می‌کنند، دغدغه‌ای برای تأمین هزینه‌ها و مخارج درمانی خود نداشته باشند، اما گویا برنامه و تمهید مدون و ثابتی از سوی مدیران و مسئولان تصمیم‌گیرنده در نظر گرفته نشده است. تنها اقدامی که گاه از سوی برخی مدیران و مسئولان دیده می‌شود این است که حمایتی جزئی، آن‌هم به صورت مقطعی از هنرمندان مبتلا به بیماری انجام می‌شود که پاسخ‌گوی هزینه‌های درمانی نیست. ۲۲ آبان‌ماه بود که بزرگداشتی برای حسین محب‌اهری در تالار هنر برگزار شد و او در آن مراسم باز هم با لبخند روی صحنه حضور پیدا کرد و با طنازی و روحیه‌ای که داشت، همه حاضران در مراسم را تحت‌تأثیر خود قرار داد. همان روز بود که اعلام شد قرار است عمل پیوند مغز استخوان به‌زودی برای وی انجام شود، اما به دلیل متوقف‌نشدن بیماری هنوز این عمل انجام نشده و محب‌اهری بار دیگر باید شیمی‌درمانی شود. وی درباره شرایط این روزهای خود به خبرنگار مهر گفت: هنوز عمل پیوند انجام نشده زیرا به گفته پزشکان، سلول‌های سرطانی همچنان فعال هستند، به‌همین‌دلیل باید یک دوره دیگر شیمی‌درمانی داشته باشم تا بعد از آن مشخص شود آیا امکان عمل پیوند فراهم است یا نه. محب‌اهری که در سال‌های اخیر و دست‌وپنجه نرم‌کردن با بیماری، بدون هیچ چشمداشت حمایتی به تأمین هزینه‌های درمانی خود پرداخته است، درباره شرایط تأمین این هزینه‌ها اظهار کرد: تأمین هزینه‌ها خیلی سخت است. مخارج خیلی بالاست. من برای آخرین‌باری که در بیمارستان بستری شدم و هزینه‌های درمان در آن مقطع، ۲۸ میلیون تومان پرداخت کردم، ولی بیمه تکمیلی تابه‌حال ۲۳۰ هزار تومان به من پرداخته و اعلام کرده که پنج میلیون تومان دیگر هم پرداخت خواهد کرد. این بازیگر باسابقه تئاتر ادامه داد: آمپول‌هایی که من برای بالابردن پلاکت‌های خود باید تزریق کنم، حدود سه میلیون تومان قیمت دارند که با بیمه تکمیلی قیمتشان ۹۰۰ هزار تومان می‌شود یا پت اسکنی که باید انجام دهم، دفعه قبل در بیمارستان مسیح دانشوری برای من پنج میلیون تومان هزینه داشت. آزمایش خونی که برای من نوشته می‌شود، ۴۵۰ هزار تومان است و همه اینها تأمین هزینه‌ها را بسیار سخت کرده است. پیش از این وزارت بهداشت حمایتی داشت، ولی این‌گونه کمک‌ها پاسخ‌گوی شرایط درمانی‌ام نیست. وی با بیان اینکه دیگر توان پرداخت هزینه‌های درمان بیماری را ندارد، تصریح کرد: تصمیم گرفتم که از این پس در بیمارستان دولتی به ادامه درمان خود بپردازم زیرا الان شرایط روحی‌ام به‌گونه‌ای نیست که ملتهب تأمین و پرداخت هزینه‌های درمان باشم. می‌دانم در بیمارستان‌های دولتی روند درمانی طولانی می‌شود، ولی چاره‌ای ندارم. محب‌اهری در پایان یادآور شد: خرده‌کمک‌هایی که می‌شود، خیال من را راحت نمی‌کند که با آرامش به درمان خود بپردازم. الان نگران این هستم که هزینه فلان آزمایش یا فلان آمپول را چگونه تأمین کنم و این در حالی است که یکی از مهم‌ترین نکاتی که باید در درمان بیماری سرطان به آن توجه شود، آرامش و دوری از استرس و فشارهای ذهنی است.

زیر آسمان فیروزه‌ای

ابراهیم حقیقی با «نقش غلط» در گالری «آ»

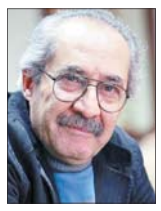

● شرق: ابراهیم حقیقی آثار جدیدش را با نام «نقش غلط» روی دیوار گالری «آ» می‌برد. به گزارش ایلنا، ابراهیم حقیقی نمایشگاه «نقش غلط» را که مجموعه خط‌نگاره‌هایی است که با تکنیک اکریلیک و چاپ دیجیتال روی بوم شکل گرفته در حالی برپا می‌کند که این خط‌نگاره‌ها براساس اشعار حافظ کار شده‌اند. ابراهیم حقیقی درباره برپایی این نمایشگاه گفت: مشتاق است این آثار روی دیوار بروند و سروسامان بگیرند تا او بتواند مجموعه بعدی خود را که در دست اجرا دارد، با سرعت بیشتری ادامه دهد و نهایی کند. بیست‌وپنجمین نمایشگاه انفرادی آثار ابراهیم حقیقی پنجم آذر در گالری «آ» روی دیوار می‌رود.مطابق آنچه در کارت دعوت این نمایشگاه آمده است در این نمایشگاه مخاطب با ادامه ازپیش‌فرض‌شده آثار قبلی یا کارهای مشابه و پیشین این هنرمند روبه‌رو نخواهد بود. کارها در ابعاد مختلف - استفاده از حروف و نوشتار و فرم-روح جدیدی پیدا کرده‌اند که لزوما شبیه هیچ‌کدام از کارهای ابراهیم حقیقی نیست؛ اما خود امروزین این هنرمند از میان کارها به‌خوبی نمایان است. ابعاد بزرگ و حرکات جسورانه و بازیگوش قلم، کارها را از آثار قبلی او جدا می‌کند.

اسامی فیلم‌های راه‌یافته به جشنواره «یاس»

● ۲۰ فیلم راه‌یافته به بخش مسابقه چهارمین جشنواره بین‌المللی فیلم «یاس» معرفی شدند. به گزارش روابط‌عمومی چهارمین جشنواره بین‌المللی فیلم‌های یاس، هیأت انتخاب بخش ملی جشنواره یاس متشکل از حسین پاکدل، بهمن حبشی، بهروز خوش‌رزم، علی دهکردی و طهماسب صلح‌جو، ۲۰فیلم از ۱۰۸ فیلم رسیده به دبیرخانه این جشنواره را شایسته حضور در بخش مسابقه دانستند. اسامی فیلم‌های راه‌یافته به بخش مسابقه ملی به ترتیب الفبا «آن‌ها» به کارگردانی احسان سلطانیان، «اینجا کسی نمی‌میرد» ساخته حسین کندری، «باتلاق وان» به کارگردانی مهدی گلستانیان، «بلوگا» ساخته مهدی جعفری، «تاول (نیم)» به کارگردانی بهمن کامیار، «تپه بادبادک‌ها» ساخته علی دلگشایی، «پرنده افلاک» به کارگردانی سهیلا پورمحمدی، «جاده مه‌آلود» ساخته بهادر اسدی، «خاک» به کارگردانی علی ثقفی، «روز چهاردهم» ساخته محمود ناظری، «سپید به رنگ مروارید» به کارگردانی سیدروح‌الله حجازی، «سرخ به رنگ عقیق» ساخته سیدروح‌الله حجازی، «سفر» به کارگردانی روح‌الله فخررو، «شهر هزار رنگ» ساخته جواد مزدآبادی، «عرفان» به کارگردانی علیرضا شاه‌حسینی، «غزاله» ساخته محسن شاه‌محمدی، «گمیچی» به کارگردانی مجید اسماعیلی‌پارسا، «نورا» ساخته وحید پرشاد، «یک روز طولانی» به کارگردانی بابک بهرام‌بیگی و «یونس» ساخته داریوش یاری هستند. رویا تیموریان، اکبر تحویلیان، علیرضا زرین‌دست، حسن خجسته و محمود عزیزی آثار رسیده به این بخش از چهارمین جشنواره بین‌المللی فیلم یاس را داوری می‌کنند. چهارمین جشنواره بین‌المللی فیلم یاس به دبیری سیدمصطفی ابطحی ۲۲ تا ۲۶ آذر در استان مازندران برگزار می‌شود.

ادامه از صفحه ۹

ناتوان در برقراری ارتباط و محکوم به آن...

ایجاد وهم از طریق آبی که روی صحنه پاشیده شده است و صدایی که فضای وهم‌گونِ ذهنِ شخصیت‌ها را بازنمایی می‌کند، درعین‌حال مخاطب را از لذت‌بردن از فضا و فرورفتن در صندلی خویش بازمی‌دارد. مخاطب از هیچ‌چیز لذت نمی‌برد، چراکه بنا نیست تصوری از ارتباط و لذت از آن میان اجرا و مخاطب وجود داشته باشد. آنچه میانِ شخصیت‌ها به واسطه رابطه میان دو بازیگر در جریان است، میان شخصیت‌ها و تماشاگران، میان اجرا و مخاطب نیز بازتولید می‌شود؛ تلاش برای برقراری ارتباط و تلاش عامدانه‌ای برای ویران‌کردنِ آن. تماشاگران هرگز نمی‌توانند و بنا نیست با محکوم به اعدام همذات‌پنداری کنند. کاتارسیسی در میان نیست. هرگز احساساتشان جریحه‌دار نمی‌شود، چراکه بنا نیست درکی از رنج «دیگری» داشته باشند. بنا نیست «دیگری» تسکینی باشد. «دیگری» تماشاگری بی‌رحم است که هم شاهد رنج هر سوژه و هم مجری آن است. صحنه هرگز نمی‌تواند انسان‌ها، این محکومانِ ابدی زیستن، شکست‌خوردگانِ مدام، ناکام در ایجاد ارتباط و گریز از تنهایی و شکست‌خورده در رفع نیازهایشان را نجات دهد. اگر هر شکلی از ارتباط محکوم به شکست است، تئاتر نیز انسان را نجات نخواهد داد. آنچه هولناک است، چنین است. تئاتر حتی در بازنمایی ناتوانی خودش نیز ناتوان است و این تمام چیزی است که «احساسات عمومی» بر آن صحه می‌گذارد. هیچ پایان دیگری جز اجرای آن حکم نهایی، نمی‌تواند وجود داشته باشد.